

مخالفان نقض حق بر اعتراضات در نظام حقوقی -سیاسی ایالات متحده می‌باشد. بدیهی است که به نظر نمی‌رسد که بتوان این استدلال را به عنوان یک استدلال قانونی از منظر حقوق بین‌الملل مورد پذیرش قرار داد چرا که نظم عمومی به عنوان یک استثنا بر اعمال قواعد مختلف حقوق بشری از جمله حق بر اعتراضات در نظام حقوق بشر بین‌الملل مورد پذیرش قرار گرفته است و بنابراین، این که در هر مورد نقض حق بر اعتراضات مسالمت‌آمیز به این استثناء استناد شود آن را از حالت استثنایی خارج ساخته و تبدیل به اصل نموده که در حقوق بین‌الملل بشر به هیچ وجه مورد پذیرش قرار نگرفته است. حق

**۹۹ می‌توان رویکرد حقوق بشری ایالات متحده نسبت به حق به اعتراضات در این کشور را نمایانگر همان رویکرد دوگانه حقوق بشری دانست که نقض حق به اعتراضات در این کشور در اثر توسل بیش از حد زور نیروهای پلیس و امنیتی در راستای حفظ نظم عمومی و امنیت ملی توجیه می‌شود در حالی که برگزاری اعتراضات غیرقانونی در کشورهای هدف این رویکردهای دوگانه حقوق بشری از جمله جمهوری اسلامی ایران، نقض حقوق بشر و حقوق شهروندی اتباع ایرانی محسوب می‌گردد. ۶۶**

بر اعتراضات به عنوان یکی از حقوق بشری که در ماده ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد استناد قرار گرفته است بایستی به صورت فوری تحقق پیدا نموده و ایالات متحده آمریکا به عنوان یکی از اعضای این میثاق، نمی‌تواند به امکانات و وسایل خود به منظور توجیه نقض حق اعتراضات توسل جوید.

## ۲- رعایت حقوق مرتبط با حق بر اعتراضات

یکی از استدلالاتی که از سوی مخالفان نقض حق بر اعتراضات در نظام حقوقی -سیاسی ایالات متحده مطرح می‌گردد، رعایت حقوق مرتبط با حق بر اعتراضات است. منظور از این حقوق،

حقوق مربوط به خبرنگاران و حق آزادی بیان افراد شرکت‌کننده در اعتراضات برای طرح دیدگاه‌ها و اعتراضات خودشان است. حق آزادی بیان با توجه به وقایع فرگوسن آمریکا، نخستین حق بشری است که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد که در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۲ ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و در اسناد بین‌المللی منطقه‌ای حقوق بشری نیز مورد حمایت قرار گرفته‌اند علاوه بر این حق آزادی بیان و آزادی اجتماعات در اصلاحیه شماره ۱ یک قانون اساسی آمریکا و در رویه قضایی محاکم این کشور از جمله در قضیه‌ی ناسپ در مقابل آلاباما (۱۹۵۸) تضمین شده است. این اصلاحیه، امروزه به عنوان مهم‌ترین و بالاترین سند ملی در حوزه حمایت از انواع حق آزادی بیان از جمله آزادی خبرنگاران به تحت پوشش قراردادن تظاهرات مطرح می‌باشد به طوری که وزارت دادگستری ایالات متحده با انتشار گزارشی، پیش‌تر اعلام نموده بود: «هم اکنون یک قاعده مسلم است که اصلاحیه شماره یک قانون اساسی از افرادی که از مأمورانی که به فعالیت‌های پلیسی در مکان‌های عمومی می‌پردازند، عکس‌برداری می‌نمایند، حمایت می‌کند... محدوده حمایتی اصلاحیه اول به فراتر از حق جمع‌آوری اطلاعات مهم از مقامات دولتی بسط پیدا کرده و هم‌چنین مقامات دولتی را از مجازات انتشار اطلاعات مربوط به سوءرفتار دولت باز می‌دارد».<sup>۲۰</sup> رویه قضایی ایالات متحده البته استثنائاتی را بر حق آزادی بیان قرار داده است از جمله فحش‌های کودکان، عبارات منجرکننده و تهدیدات صریح علیه سایر افراد اسناد بین‌المللی منطقه‌ای، حق آزادی بیان را در مرکز توجه خود قرار داده‌اند از جمله بند یک ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر راجع به آزادی بیان و آزادی اجتماعات بوده است.<sup>۲۱</sup>

## راهکارهای محتمل حقوقی -سیاسی موجود در مقابل نقض حق بر اعتراضات در نظام حقوقی -سیاسی ایالات متحده

۱- از منظر حقوقی، محتمل‌ترین سناریو می‌توانست با توجه به تحولات موجود در ایالات متحده و نقض گسترده حق بر اعتراضات مسالمت‌آمیز، ارجاع وضعیت این کشور به شورای حقوق بشر ملل متحد باشد.

با این حال نظر به خروج ایالات متحده در سال ۲۰۱۸ میلادی از شورای حقوق بشر ملل متحد، این ظرفیت امروزه باقی نیست و بنابراین مناسب‌ترین راه‌کار موجود، استفاده از سازوکارهای داخلی موجود قانونی ایالات متحده به ویژه دیوان عالی کشور ایالات متحده بوده است. این مسأله به ویژه از آن رو واجد اهمیت می‌باشد که همان طور که مورد خطاب قرار گرفت، نظام قانون‌گذاری و رویه قضایی ایالات متحده، قوانین داخلی این کشور را بر تعهدات بین‌المللی حقوق بشری آن کشور مقدم می‌داند. در آرای چندی دیوان عالی کشور آمریکا به نقض حقوق بشر اتباع آمریکا توسط دولت اشاره نموده است و از رویه موجود در این قضایا می‌توان برای اثبات مسئولیت مدنی دولت آمریکا و سازمان‌های پلیسی فدرال و ایالتی آمریکا به دلیل نقض حق بر اعتراضات شهروندان آمریکایی استفاده نمود. بسیاری از اسناد حقوقی در زمینه تضمین حق بر اعتراضات شهروندان آمریکایی، از زمره اسناد حقوق نرم محسوب می‌شوند، ضمانت اجرای حقوق نرم، به طور قطع افکار عمومی ایالات متحده می‌باشد. از این منظر می‌توان، افکار عمومی ایالات متحده را در مقابل نقض این اسناد حقوق نرم به ویژه در ارتباط با نحوه برخورد سازمان‌های پلیسی با اعتراضات مسالمت‌آمیز قرار داد. به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی ایران به طور عمده بایستی بر این سازوکار نرم در زمینه تضمین حق بر اعتراضات شهروندان آمریکایی استفاده نماید.

۲- از منظر سیاسی، می‌توان رویکرد حقوق بشری ایالات متحده نسبت به حق به اعتراضات در این کشور را نمایانگر همان رویکرد دوگانه حقوق بشری دانست که نقض حق به اعتراضات در این کشور در اثر توسل بیش از حد زور نیروهای پلیس و امنیتی در راستای حفظ نظم عمومی و امنیت ملی توجیه می‌شود در حالی که برگزاری اعتراضات غیرقانونی در کشورهای هدف این رویکردهای دوگانه حقوق بشری از جمله جمهوری اسلامی ایران، نقض حقوق بشر و حقوق شهروندی اتباع ایرانی